

بیانات در اولین جلسه درس خارج فقه سال تحصیلی جدید - 16 شهریور / 1395

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بعد از سه ماه و چند روزی که درس تعطیل بود و بحثهای حوزهها تعطیل بود، حالا بحمدالله باز خدمت آقایان رسیدیم و بنای بر مباحثات و بحث فقهی داریم. در این خلال، ماه رمضان بود و این تابستان گرم؛ بعضی به معنای حقیقی کلمه حقیقتاً از ماه رمضان بهره بردند؛ چه به خاطر اعمال ماه رمضان، روزهای گرم و بلند ماه رمضان، به خاطر دعاهای ماه رمضان، خشیت و تضرع و خشوع و مانند اینها و چه به خاطر فعالیت‌هایی که انجام دادند؛ تبلیغ کردند، احکام دین گفتند، بعضی‌ها مسافرت کردند، بعضی در خود تهران مشغول فعالیت بودند. بعضی از مجموعه‌ی شما و بقیه‌ی برادرانی که در تهران هستند واقعاً بهره بردند؛ بعضی‌ها ایمان هم نه، بهره‌ی زیادی نبردیم که بایستی متأسف باشیم و به فکر جبران باشیم و جبران بکنیم.

آنچه مهم است این است که طلبه‌ی دین، عالم دین و روحانی - به اصطلاح رایج - وظیفه‌ی خودش را در هر برهه‌ای از زمان تشخیص بدهد. اگر وظیفه تشخیص داده نشد، علم و تقوا و مانند اینها به درد نمیخورد؛ یعنی بجا مصرف نمیشود. مثل این است که انسان پول زیادی دارد اما خبر از بیماری فرزندان ندارد. خب، اگر میدانست که این بچه بیمار است و احتیاج به معالجه دارد و مثلاً احتیاج به عمل جراحی دارد، پول هم که در جیبش بود، میرفت معالجه میکرد. وقتی نمیداند این بیماری را، مطلع نیست، این بچه را از دست میدهد یا بیماری او تشدید میشود؛ درحالی که امکانش را هم داشت، پولش را هم داشت. [اگر] علم داشته باشیم، تقوا هم داشته باشیم، حتی شجاعت هم داشته باشیم اما ندانیم وظیفه چیست، ندانیم موقعیت کدام است، ندانیم امروز مطالبه‌ی خدای متعال و مطالبه‌ی دین از ما در عرصه‌ی اجتماع چیست، آن علم و تقوا و شجاعت و بقیه‌ی خصوصیات مثبت اثر خودش را نمیبخشد؛ و کارکرد لازم را نخواهد داشت. این کلمه‌ی «بصیرت» که ما دائم تکرار میکنیم، بعضی‌ها هم بشدت اوقاتشان تلخ میشود که چرا فلانی مکرر میگوید بصیرت بصیرت؛ معنایش این است. یکی از مصادیق مهم بصیرت همین است که انسان بداند امروز چه نیازی در جامعه وجود دارد. ما میلیون‌ها جوان داریم؛ جوان در معرض فراگیری است تا چه به او داده بشود. گفت: من که لوح ساده‌ام هر نقش را آماده‌ام. (۱) همه‌ی نقشها را میشود بر روی این لوح ساده کشید؛ چه کسی مبادرت کند، چه کسی دست پیش را بگیرد، چه کسی جلوتر حرکت بکند، یا چه کسی متوجه بشود که بر این لوح ساده، نقش نامیمون و غلطی کشیده شده است؛ [تا] برود آن را تصحیح کند؛ همه‌ی اینها بصیرت لازم دارد. [باید] بدانیم امروز نیازهای جامعه را. امروز دشمنان ما پولهای گزافی را خرج میکنند. این چیزی که عرض میکنیم، تحلیل نیست اطلاع است؛ انسان به بسیاری از این حرفها علم دارد. پول خرج میکنند برای اینکه بتوانند ذهن جوان مسلمان مؤمن ایرانی را، منصرف کنند، منحرف کنند. از چه؟ از اصل دین؛ نه فقط از نظام جمهوری اسلامی، یا از ولایت فقیه یا امثال اینها؛ [بلکه] از اصل دین، از تعبد به دین، از مسئله‌ی تشیع تا برسد به نظام جمهوری اسلامی و برسد به بقیه‌ی چیزهایی که وجود دارد؛ دائم دارند شبهه خلق میکنند. کسانی هستند در داخل که ابزار آنها میشوند اما خیلی از آنها خودشان هم در داخل کشور نیستند؛ در بیرونند، خط میدهند، عنوان و سوژه معین میکنند و پخش میکنند و میگویند اینها را بگویید، اینها را ترویج کنید. امروز هم فضای مجازی یک صحرای بی‌پایانی است که از همه طرفش میشود حرکت کرد؛ دیگر مثل سابق نیست که شما بخواهید یک مطلبی را بیان کنید، ناچار باشید روی کاغذ بنویسید، آن را پلی‌کپی کنید یا فتوکپی کنید ده نسخه، صد نسخه، دویست نسخه؛ این جور نیست. هر یک نفری که بتواند با رایانه کار بکند یک رسانه است. می‌نشینند پخش میکنند شبهات را، حرفها را، جوانهای مؤمن را، جوانهای سالم را گمراه میکنند. اینها را باید شناخت. چه کسی بایستی بیاید وسط میدان و سینه سپر کند و مانع بشود از گمراهی جوانان؟ چه کسی باید مانع بشود از اقدام دشمن برای انحراف ذهن

جوانان؟ به عهده‌ی چه کسی است این کار؟ جامعه‌ی علمی و مذهبی، یعنی روحانیت، اولین وظیفه‌اش این است؛ مهم‌ترین وظیفه‌اش این است.

حوزه‌های علمیّه باید این قابلیت‌ها را در خودشان فراهم بکنند؛ قابلیت سینه به سینه شدن، مواجه شدن با این لشکر بی‌تعداد عظیم دشمنی و دشمن که به سمت ایمان مردم، به سمت اعتقادات مردم، به سمت سلامت نفس مردم، به سمت عفت جوانان سرازیر میشود. پایگاه‌های اینترنتی فراوانی وجود دارد که هدفشان این است که عفت جوان را، حیای جوان مسلمان را -چه پسر، چه دختر- از بین ببرند؛ پرده‌ی حیای او را بدرند؛ اصلاً هم‌متشان این است و برای این برنامه‌ریزی میکنند. خب بعضی از عناوین، عناوین مجرمانه است؛ دستگاه‌های گوناگون دولتی وظیفه دارند برخورد کنند و میکنند، لکن آن چیزی که مربوط به ذهن است، به مغز است، به دل است، با تحرک و اقدام عنصر امنیتی و عنصر اطلاعاتی و عنصر نظامی حل نمیشود؛ این ابزاری مناسب با همان بلایی که در آن هست لازم دارد؛ داروی آن بیماری همان چیزی است که در اختیار روحانیون است، در اختیار اهل دین است، در اختیار دانایان مذهب است. ما باید خودمان را مجهز کنیم؛ خیلی از ماها مجهز نیستیم، خیلی از ماها نمیدانیم، نه از جنبه‌های نرم‌افزاری، نه از جنبه‌های سخت‌افزاری. بعضی‌ها با این روش‌های جدید اصلاً آشنایی ندارند، با رایانه و مانند آن اصلاً آشنا نیستند، معنایش را نمیدانند، اهمیّت این کار را درک نمیکنند. می‌بینیم ما؛ در بین مسئولین هم هستند کسانی که اهمیّت این کار بزرگ را بدرستی و آنچنان که باید و شاید درک نمیکنند لذا اقدام لازم را انجام نمیدهند. ما شورای عالی فضای مجازی درست کردیم برای همین قضیه؛ (۲) برای اینکه مسئولان بیابند دور هم بنشینند، فکر کنند، متمرکز کنند اراده‌ها و تصمیم‌ها و اقدام‌های خودشان را برای مواجهه‌ی با این حادثه‌ی بزرگ. این یک عرصه‌ای است که دارای منافع بی‌شمار و دارای مضرات بی‌شمار است؛ عرصه‌ی فضای مجازی این‌جوری است؛ میتوان از آن حداکثر منافع را [کسب کرد]؛ همان کاری که آن دشمن میکند، شما [هم] میتوانید بکنید در جهت عکس؛ [یعنی] مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی را پخش کنید بدون هیچ مانع و رادعی؛ (۳) که بعضی‌ها از این مردمان مؤمن، جوانهای مؤمن از معتم و غیر معتم، روحانی و غیر روحانی -بعضی غیر روحانیون در این زمینه فعال‌تر هم هستند- کارهای بسیار خوبی را انجام میدهند؛ ناگهان در سطح دنیا یک مطلبی را، یک مفهومی را، یک فکر درستی را منتشر میکنند، طرف مقابل میماند. [پس] بعضی از این جهت نقص دارند که با این کار، با این فن آشنا نیستند؛ بعضی هم مشکلات نرم‌افزاری دارند، جواب شبهات را نمیدانند، اصلاً خود شبهه را متوجه نیستند -اینکه امروز چه شبهه‌ای وجود دارد- یک شبهه‌ای صد سال پیش بود، پانصد سال پیش بود، ممکن است آن شبهه اصلاً الان مطرح نباشد؛ ما برویم در کتاب بگردیم، آن شبهه را پیدا کنیم، جواب آن را پیدا کنیم یا [اینکه] نه، ببینیم امروز شبهه‌ای که وجود دارد چیست. البته بعضی از شبهات امروز، همان شبهات قدیمی است که لباس نو به آن میپوشانند، این [نوع شبهات] هست اما بعضی اوقات هم شبهات جدیدی است؛ اینها را باید بشناسیم، اینها را باید بدانیم؛ اینها کارهای حوزه‌های علمیّه است و حوزه‌های علمیّه به این کارها باید وارد بشوند. معنای این، آن نیست که ما فقاقت را کنار بگذاریم؛ نه، این عین فقه است. فقه فقط احکام عملی نیست؛ «فقه الله الاکبر» معارف اسلامی است؛ معارف اسلامی شبهه دارد. شما ببینید، مثلاً در باب صلات مسافر؛ فرض کنید در یکی از مسائل صلات مسافر ده‌ها فرع مطرح میشود. دقت نظر فقهای ما این‌جوری است؛ ده‌ها فرع را مطرح میکنند برای فرض کنید یک مسئله‌ی "اشترای اباحه و حلّیت سفر برای صلات قصر". (۴) خب، این یک مسئله است اما فروع این مسئله الی ماشاءالله؛ مثلاً سید در عروه ده فرع، دوازده فرع یا بیشتر مطرح میکند؛ دیگران در جاهای دیگر گاهی بیشتر هم مطرح کرده‌اند. خب، در مسائل اعتقادی هم همین‌جور است؛ در مسائل اعتقادی هم همین تفرق و تفرع شبهات فراوان وجود دارد. آن طرف مقابل، یک نقطه‌ی کوچک را میگیرد، روی آن تکیه میکند و ذهنهایی را منصرف میکند. بنابراین این یکی از وظایف عمده‌ی ما است؛ حوزه‌های علمیّه بایستی به این توجه کنند. خوشبختانه حوزه‌ی علمیّه‌ی تهران هم این روزها یک سر و صورتی، سر و سامانی پیدا کرده و کارهایی شده؛ شنیدم امروز هم افتتاح حوزه‌ی علمیّه‌ی تهران است. میتوان کارهای بزرگی را در این زمینه انجام داد که امیدواریم ان‌شاءالله خداوند همه‌ی

شماها را موفق کند.

- ۱) دیوان حاج میرزاحیب ؛ من که لوح ساده‌ام هر نقش را آماده‌ام / دست نقاشان قدرت تا چه تصویرم کنند
- ۲) ر.ک: حکم تشکیل و انتصاب اعضای شورای عالی فضای مجازی (1390/12/17)
- ۳) مانع
- ۴) شرط مباح و جایز بودن سفر برای شکسته شدن نماز مسافر